

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2022; 14(Special Issue on Culture, History and Civilization): e4

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

A Comparative Assessment of the Performance of Nubakhtis and Ash'aris on the Context of the Shiism Traditions and Theology

Hamid Sadidi¹ , Ahmad Ashrafi^{1*} , Mohammadnabi Salim¹

1. Department of History, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran

ABSTRACT

Background and Aim: The purpose of the current research is to compare the performance of Nubakhtis and Ash'aris families regarding the development of the spiritual heritage of Shiism in the sciences of Traditions and theology. Due to the difference in the cultural and political conditions of the Islamic society in the two periods of life of the Ash'aris of Qom and Nubakhtis of Iraq, different necessities were created that have been influential in the cultural struggles of these two families. During the period of the Ash'aris, collecting written hadiths and dealing with the science of hadith was the procedure of their operation, and during the time of Nubakhtis, the need to respond to the intellectual doubts of numerous religious and theological differences was the criterion of their performance.

Methods: This article, using descriptive-analytical method and using library sources, tries to compare, criticize and analyze the role of Ash'ari family in the development of the spiritual heritage of Shiism in the sciences of Hadith (Traditions) and Kalam (Theology).

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: From the results of this research, the key role of the Ash'ari family in collecting and compiling hadith books can be pointed out, and the role of the Nubakhti family in developing the foundations of theology by the Shia theologians of this family can be stated.

Conclusion: The science of Hadith and Kalam are among the most important intellectual sciences of Shia, along with the science of jurisprudence and ethics. In the 3rd and 4th centuries of Hijri, the science of hadith was indebted to the support of the Ash'ari family in Qom, just as the science of Shia theology was influenced by the support of the influential Nubakhti family in the Abbasid territory. They provided Shia hadith and kalam and became the standard bearer of promoting and consolidating Shia traditions.

Keywords: Ash'aris of Qom; Nobakhti Family; Theology; Traditions; Shiism

Corresponding Author: Ahmad Ashrafi; **Email:** ahmad.ashrafi@gmail.com

Received: July 15, 2022; **Accepted:** November 09, 2022; **Published Online:** January 31, 2023

Please cite this article as:

Sadidi H, Ashrafi A, Salim M. A Comparative Assessment of the Performance of Nubakhtis and Ash'aris on the Context of the Shiism Traditions and Theology. *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2022; 14(Special Issue on Culture, History and Civilization): e4.



مجله تاریخ پزشکی

دوره چهاردهم، ویژه‌نامه تاریخ، فرهنگ و تمدن، ۱۴۰۱



سنجش تطبیقی عملکرد نوبختیان و اشعریان در عرصه حدیث و کلام شیعه

حمید سدیدی^۱، احمد اشرفی^{۱*}، محمدنبی سلیم^۱

۱. گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تفاوت در شرایط فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی در دو دوره حیات اشعریان قم و آل نوبخت عراق، ضرورت‌های متفاوتی ایجاد کرد که در تکاپوهای فرهنگی این دو خاندان تأثیرگذار بوده است. در همین راستا، هدف پژوهش حاضر، سنجش تطبیقی عملکرد نوبختیان و اشعریان در عرصه حدیث و کلام است.

روش: این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: از نتایج این تحقیق می‌توان به نقش کلیدی خاندان اشعری در جمع‌آوری و تدوین کتب حدیث و نقش خاندان نوبختی در تکوین مبانی علم کلام توسط متکلمان شیعی این خاندان اشاره نمود.

نتیجه‌گیری: علم حدیث و کلام از مهم‌ترین معارف فکری تشیع در کنار علم فقه و اخلاق هستند هر یک از این علوم به مقتضای شرایط فرهنگی حاکم بر تحولات فرهنگی جهان اسلام سیر پویایی و تکوین خود را طی نموده‌اند. علم حدیث در قرون سه و چهار قمری و امدار حمایت خاندان اشعری در قم بوده، چنانچه علم کلام شیعه، در ادوار بعدی متأثر از حمایت خاندان ذی‌نفوذ نوبختی در دستگاه خلافت عباسی بوده است که به واسطه مجادله فکری با سایر جریان‌ها حاصل شده است. هر دو این خاندان‌ها با حمایت‌های معنوی خود موجبات رشد علم حدیث و کلام شیعه را فراهم نمودند.

واژگان کلیدی: اشعریان قم؛ خاندان نوبختی؛ کلام؛ علم حدیث؛ تشیع

نویسنده مسئول: احمد اشرفی؛ پست الکترونیک: ahmad.ashrafi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Sadidi H, Ashrafi A, Salim M. A Comparative Assessment of the Performance of Nubakhtis and Ash'aris on the Context of the Shiism Traditions and Theology. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., Medical History. 2022; 14(Special Issue on Culture, History and Civilization): e4.

مقدمه

تاریخ فکری و اندیشه اسلام تحت تأثیر عقاید و آرای متفاوتی شکل گرفته است که هر یک از آنان با توجه به شرایط عقیدتی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه، آثار قابل توجهی بر جای گذاشتند. در این میان گرایش‌های فکری در دوره‌های مختلف حیات اندیشه اسلامی شکل گرفتند که در یک دسته‌بندی کلی شامل عقل‌گرایی و نص‌گرایان یا اعتزالیون و اشعریون می‌شود. این شیوه از تقسیم‌بندی، حتی تا دوره معاصر نیز تداوم داشته است و امروزه از معتزله یا اشعری‌بودن در وصف خصوصیات و یا نشان‌دادن تمایز میان نظام‌های فکری مرتبط با آیین و اندیشه اسلامی استفاده می‌شود. برخی از مهم‌ترین تحولات فکری در عالم اسلام، در دوره عباسیان به وقوع پیوسته است. به این دلیل که برخی حکام عباسی مدافع علم و دانش و تفکر بوده و برخی دیگر از عوامل سیاسی و اجتماعی نیز تحت تأثیر فعالیت‌های آنان در ضدیت و یا تأیید دستگاه حاکم شکل گرفته بود. از این منظر، دوران خلافت عباسی به دو دوره تقسیم می‌گردد. دوره تسلط ایرانیان بر دستگاه حکومتی (از خلافت سباح ۱۳۲ قمری تا پایان خلافت مأمون ۲۱۸ قمری) و دوره دوم که با خلافت معتصم بالله (۲۱۸ ق.) آغاز گردید، وی چون اعتمادی به ایرانیان و اعراب نداشت، زمینه ورود و تسلط لشکریان ترکان را مهیا نمود. با راهیابی آنان به چرخه قدرت سه ضلعی رقابت وحشتناک عرب، ایرانی و ترک شکل گرفت. در همین دوران حکومت‌های محلی مانند صفاریان (۲۹۸-۲۵۲ ق.)، سامانیان (۳۹۵-۲۶۱ ق.)، آل زیار (۳۸۹-۳۱۶ ق.) و آل بویه (۴۴۷-۳۲۲ ق.) که داعیه استقلال داشتند، بر بخشی از سرزمین‌های تحت حاکمیت خلیفه حکومت یافتند، در این زمان به کرات شاهد این مسأله هستیم که عناصر ترک‌تبار برخی خلفا را از قدرت خلع و خلیفه دیگری را جابگزین نمودند یا اینکه خلیفه را کشته و یا تحت آزار و اذیت قرار داده و زندانی کردند (خلع خلیفه قاهر بالله، قتل متوکل، مقتدر و...) (۱). در هر صورت رقابت فکری میان طرفداران نظام سیاسی حاکم و یا شکل‌گیری اندیشه‌های آشکار و یا پنهان بر علیه آنچه در نظام

حاکم می‌گذشت، تنوع خاصی بر گرایش‌های فکری و فلسفی بر جای گذاشت و طیفی از عقل‌گرایی، نص‌گرایی، اعتزالی و اشعری در همین دوره شکل گرفته بود. توضیح بیشتر در ارتباط با شرایط سیاسی - فکری حاکم بر جامعه عصر عباسی نشانگر پیوند این دو حوزه با یکدیگر بوده است و در این میان تصمیمات و خواسته‌های سیاسی نقش مهمی در شکل‌گیری یک اندیشه موافق و یا مخالف دستگاه حاکمه بر جای گذاشته بود. توضیح اینکه، خلفای عباسی تا دوران خلافت مأمون (۲۱۸-۱۹۸ ق.) از معتزله حمایت می‌کردند. از دوران خلافت متوکل جریان حمایت از متبیین ظواهر آیات و روایات قوت یافت و دوران سختی معتزله آغاز گردید (۲). طرفداران معتزله عقل را مهم‌ترین ابزار اکتساب علم و یگانه مسیر ادراک می‌دانستند و معتقد بودند که عقل از راه تجرید معقولات به علم می‌رسد، این قضیه ادامه داشت تا اینکه متوکل (۲۴۷-۲۳۲ ق.) به خلافت رسید. وی مخالف اندیشه‌های برخاسته از عقل و اراده معتزله بود، لذا از این پس دوران محنت طرفداران اعتزال آغاز و آنان مورد حمله واقع شدند، به همین دلیل در منازعات بین آنان بسیاری از کتب آنان در آتش سوخت و جمع آنان نیز پیرشان گشت تا اینکه ابوالحسن اشعری (۳۲۴-۲۶۰ ق.) برای مقابله با افراط و تفریط طریق دیگر یعنی حدیث را برگزید (۳). در هر صورت جریان فکری اشعری یکی از بزرگ‌ترین جریان‌های فکری در این دوره است که اثرگذاری آن تا دوره‌های بعدی نیز تداوم یافته است. جریان‌های فکری دیگری نظیر نوبختیان نیز که ابتدا به زرتشت‌گرایی داشتند، در همین دوره نضج گرفتند. راه‌یافتن نوبخت به دربار خلافت عباسی به سالیان قبل از خلافت عباسی بازمی‌گردد که همین آشنایی با خلفایی نظیر منصور در سال‌های بعدی باعث گرایش آنان به اسلام و از جمله مذهب شیعه شده بود. درباره گرایش مذهبی نوبخت اختلاف نظر وجود دارد، اما گفته می‌شود که با مسلط شدن مذهب سنی بر دستگاه خلافت عباسی، نوبخت و فرزندان وی همچنان بر مذهب شیعه ماندند و برای مدت قابل توجهی توانستند آثار فکری و اندیشه‌ورزی خود را به جامعه اسلامی عرضه دارند. اشعریون که به عنوان نماینده یکی از جریان‌های

بزرگ در عالم اسلام از آنان یاد می‌شود، همواره نقش و آثار قابل توجه آنان بر حوزه‌های فکری، فلسفی، کلام و حدیث محسوس بوده است، به طوری که از دیرباز تاکنون یکی از طرفین مناقشه فکری در جهان اسلام بوده‌اند.

در سوی دیگر، نوبختیان توانستند در حوزه تألیف برخی آثار و تربیت شاگردان اثرگذار، نقش خاصی ایفا کنند، از جمله اینکه در کنار خاندان آل بویه و تعامل با اشعریون توانستند در گسترش فرهنگ شیعه و مبارزه با انحرافات فکری ایفای نقش کنند، حتی ارتباط اشعریون، آل بویه و نوبختیان توانست به پیوند میان دو حوزه فکری شیعه در بغداد و قم نیز کمک نماید، حتی گفته شده است که به دلیل علاقه فراوان نوبختی به قم، به وی نیز لقب «قمی» داده‌اند. در هر صورت، فعالیت فکری و اندیشه‌ورزی اشاعره و نوبختی به عنوان دو جریان فکری بر سایر تحولات فکری نظیر عرصه حدیث و کلام شیعه اثرگذار بوده است، بدین معنا که این دو جریان فکری توانستند آثار و اندیشه‌هایی را خلق کنند که در رقابت و یا تضاد با اندیشه‌های دیگر نظیر اعتزالیهون، دهریون و... نظام فکری خاصی را پدید آورند. در همین راستا هدف پژوهش حاضر نیز بررسی و سنجش تطبیقی عملکرد نوبختیان و اشعریان در عرصه کلام و حدیث شیعه است، بدین معنا که این دو جریان فکری چگونه و به چه میزان توانستند بر عرصه حدیث و کلام شیعی اثرگذار باشند.

در خصوص این موضوع، نمونه‌هایی از تحقیقات پیشین قابل ذکر است. از جمله:

دادفر و عبدی (۱۳۹۵ ش.) در مقاله «تأثیر مهاجرت اشعریان بر تحولات اجتماعی قم»، به بررسی علل مهاجرت اشعریان به قم و تأثیر آن‌ها بر تحولات اجتماعی این منطقه می‌پردازند. به نظر آن‌ها اشعریان قم توانستند بعد از مهاجرت، الگوهای برآمده از عصبیت را برای مدت‌های طولانی حفظ کنند و شاید رمز ماندگاری آن‌ها به عنوان یک هویت واحد قبیله‌ای همین بود. اشعریان در قم، ضمن پاسداشت الگوهای فرهنگی عصبیت و قابلیت انطباق اجتماعی، بر نهاد دین تأثیر گذارند و مبدأ تحولاتی در عرصه‌های اجتماعی و حتی اقتصادی شدند.

حسینی‌زاده (۱۳۹۲ ش.) در مقاله «مقایسه اندیشه‌های کلامی نوبختیان و شیخ مفید در بستر میراث کلامی امامیه و معتزله»، تلاش نموده است تا نقاط اشتراک و اختلاف آرای آل نوبخت در علم کلام را با آرای شیخ مفید بسنجد، وی مدعی است آرای کلامی نوبختیان از جهتی هم‌عرض با آرای شیخ مفید است و از جهتی دیگر تشابه به ظواهر تفکر معتزله دارد. نویسنده در ادامه در پیراستن اتهام معتزلی‌بودن شیخ مفید کوشیده استدلال کند که همفکری شیخ با معتزله در برخی از مسائل فکری به معنای هم‌بنیادی آن‌ها نیست.

پیروزفر و آجیلیان مافوق (۱۳۹۰ ش.) در مقاله «خاندان اشعری و تأثیر آن بر سیر تحول مکتب حدیثی قم» ادعا دارد در سیر تحول مکاتب حدیثی، نمی‌توان بدون بررسی نقش یک خاندان بر مکتب حدیثی آن زمانه به درک درستی از آن مکتب رسید، لذا تأثیر اشعریان قم بر تحول علم الحدیث غیر قابل کتمان است، در نتیجه مکتب حدیثی قم به مثابه نخستین مکتب حدیثی شیعه قابل تأمل بیشتر است.

سبحانی و حسینی خضراباد (۱۳۹۱ ش.) در مقاله «آرای متکلمان نوبختی در میانه مدرسه کوفه و بغداد» با بررسی گزارش‌های باقیمانده از آرا و آثار نوبختیان، دیدگاه‌های کلامی آنان در موضوعات مختلف کلامی را بازایی کرده و افکارشان را در قیاس با آرای متکلمان پیشین یا پسین امامیه متفاوت دیده و بررسی کرده‌اند، افکاری که سرآغازی بر آرای کلامی مدرسه بغداد و تا حدی متفاوت از باورهای کلامی متکلمانی چون اشعریان بوده است.

حسینیان مقدم (۱۳۸۴ ش.) در مقاله «نقش نوبختیان در پیشبرد افکار شیعه» به بررسی نقش علمی نوبختیان در توسعه علمی معارف شیعی در قالب علم کلام پرداخته است و از تأثیر گسترش نحله‌های فلسفی و کلامی و ضرورت رفع شبهات توسط متفکران یاد کرده است، ضرورتی که آل نوبخت بدان پرداختند و بعداً فقهای چون شیخ مفید از آن رویه تأسی کردند. نویسنده نوبختیان را پایه‌گذار علم کلام در میان شیعیان دانسته است.

با عنایت به تحقیقات بالا و علیرغم برخی دغدغه‌های مشترک میان پژوهش حاضر و پژوهش‌های ذکرشده، در این نوشتار سعی شده است تا تلاش‌های خاندان شیعی نوبختی در تدوین علم کلام شیعه با پویش اشعریان قم در تدوین علم الحدیث مورد تطبیق، نقد و بررسی علمی و تحلیلی قرار گیرد. با این اوصاف و با در نظر داشتن تحقیقات صورت گرفته و بر مبنای اهداف پژوهش حاضر، سؤالات پژوهش بدین ترتیب است:

نقش دو جریان فکری اشعری و نوبختی در تکوین میراث معنوی تشیع و در زمینه آموزش و توسعه حدیث و کلام به چه نحوی بوده است؟

پرداختن این دو خاندان (یکی به علم الحدیث و دیگری به علم کلام) نشانگر چه حقیقتی است؟

۱. بیان مسأله و ضرورت پژوهش: تحولات فکری اعم از فلسفه، حدیث، کلام، فقه و اندیشه‌های اخلاقی و حقوقی در اسلام، هرچند از متون دینی و منابع فقهی ظهور و بروز می‌یابند، اما در این میان نباید نقش مکاتب فکری، خاندان‌های سیاسی و اجتماعی و جریان‌های فکری را از نظر دور داشت، بدین معنا که با توجه به علاقه، دغدغه فکری و تلاشی که هر جریان فکری در عالم اسلام بر جای گذاشته باشد، بررسی آثار و پیامدهای فعالیت آن جریان نیز از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود. در این میان بررسی وضعیت کلام و حدیث در نزد اهل تشیع، به دلیل وجود جریان‌ها و خاندانی نظیر آل نوبخت و اشعری شایسته بررسی است، بدین معنا که عرصه کلام و حدیث شیعی چگونه و در چه زمینه‌هایی توانستند تحت تأثیر فعالیت دو جریان یادشده، توسعه یابند و یا اینکه امکانات جدیدی پیشروی خود ببینند. بنابراین به طور مشخص مسأله پژوهش حاضر این است که اشعری و آل نوبخت (نوبختیان) بر کدام حوزه فکری (حدیث و کلام) اثرگذار بوده‌اند، همچنانکه نیازمند بررسی دلایل گرایش هریک از آنان به سمت کلام و یا حدیث نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ضرورت طرح موضوع نیز از آن رو است که تحلیل شرایط و وضعیت عرصه کلام و حدیث شیعه نیازمند بررسی نقش جریان‌های فکری مختلف در گسترش و یا ایجاد محدودیت بر

آن است، بدین معنا که در کدام دوره و توسط چه جریانی، عرصه حدیث و کلام دچار پیشرفت بوده و در کدام دوره دچار رکود شده است. از این منظر، نقش‌آفرینی گروه‌های فکری به عنوان متغیرهای اثرگذار، نشان‌دهنده تأثیرپذیری عرصه کلام و حدیث شیعه از آنان از یک طرف و رکود و پیشرفت این عرصه نیز خواهد بود. با توجه به نقش اشعریان قم در تدوین و گسترش علم حدیث و کوشش خاندان نوبختی در کاربست منطق و کلام در ترویج علوم شیعه، بایسته است تا با نگرشی تطبیقی و در قالب پژوهشی با عنوان «سنجش تطبیقی عملکرد اشعریان و نوبختیان در عرصه حدیث و کلام شیعه»، نقش‌آفرینی خاندان‌های متنفذ و فرهیخته شیعه در توسعه معارف اهل بیت و تثبیت آموزه‌های تشیع مورد نقد و واکاوی قرار گیرد.

روش

روش مقاله حاضر، توصیفی و تحلیلی و ابزار استفاده‌شده در تحقیق نیز کتابخانه‌ای و مراجعه به متون، اسناد، کتب فقهی، مقالات و تحقیقات صورت گرفته در این زمینه است. در اثنای بحث نیز تلاش شده است تا از رویکرد مقایسه‌ای درباره نقش هر یک از جریان‌ها بر عرصه حدیث و کلام توجه نشان داده شود.

یافته‌ها

۱. اشعریان و نخستین کانون حدیث شیعه: یکی از عوامل مهم در شناخت حدیث شناسان خاندان اشعری و گستره فعالیت‌های حدیثی آنان، بررسی روابط حدیثی موجود میان حدیث پژوهان این خاندان با سایر علمای مقیم سایر مناطق اسلامی است. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که با بررسی مشخص می‌شود که محدثان این خاندان در فضای بسته فکری نبوده‌اند، بلکه محدثان با اکثر شهرهای مسلمان آن زمان پیوند حدیثی داشته‌اند. این ارتباط گاه از طریق سفر علمای قم به شهرهای دیگر بود و گاه از طریق رفت و آمد محدثان از شهرهای دیگر به قم (برخی از این محدثان در قم

سکنی گزیده‌اند و مدفن آن‌ها در قم است). مراکزی مانند مدینه، سامرا، بغداد، کوفه، مکه و مدینه با یکدیگر تماس گرفتند، احادیث و احادیث در مورد حج تبادل نظر کردند، قبر پیامبر اکرم (ص) را زیارت کردند و با معصومین (ع) ملاقات کردند. توصیف دقیق رابطه محدثان خاندان اشعری با سایر مناطق، جز با بررسی شرح حال و ترجمه محدثین از قم و سایر مناطق و بررسی اسناد و مدارک احادیث غیر ممکن است. برای کشف بزرگان و راویان محدثان خاندان اشعری. بررسی همه احادیث کار بسیار وسیعی است، اما با تحقیقی که در منابع اولیه علمای شیعه و متون سنتی موجود در آن‌ها درباره شرح حال محدثان از این خاندان انجام شد، به چندین حوزه پی می‌بریم. محدثان اشعری در اینجا همان محدثان مکتب حدیثی قم هستند، البته این لزوماً به این معنا نیست که اهل حدیث از خاندان اشعری به منطقه سفر کرده‌اند یا اهل حدیث سایر مناطق به قلمروی خاندان اشعری سفر نموده‌اند، بلکه حکایت از تداوم جریان حدیث شیعه و نوعی رابطه علمی بین محدثان اشعری و محدثان دیگر مناطق دارد. تعداد زیاد راویان خاندان اشعری فراتر از آن چیزی است که با بررسی برخی از شواهد موجود به دست آید، هرچند باید پذیرفت که بین این خاندان و سایر حوزه‌های حدیثی، شهرهای اسلامی و شیعی، پیوندهای حدیثی وجود دارد.

۲. رویکرد مکتب قم به جنبه‌های حقوقی کلام: مجموعه مقوله‌های کلام، حقوق، دین و حدیث که در حوزه حدیث قم مورد بحث قرار گرفته است. یکی از تفاوت‌های آن با سایر حوزه‌های جغرافیای فعال در علم حدیث شیعه بوده است، درخور اعتنا هستند. ذکر این ویژگی‌ها به عنوان ویژگی‌های مکتب حدیثی قم برای همه اهل حدیث تا حدی بیان شده، اما مشخصه مکتب قم پرداختن به مسائل مختلف دینی در قلمروی علم حدیث و با تأکید بر جنبه‌های حقوقی است. با این حال، برخی از این خصائص دامنه زمانی و فردی بیشتری داشته‌اند. نقش اشعریان در ترویج و توسعه حدیث شیعه در پوشش مکتب قم از جهت تقابل با احادیث ضعیف و تثبیت

حقوق محدثان شیعه در حفظ و روایت احادیث ائمه شیعه بوده است. برخی ویژگی‌ها قابل تأمل هستند:

اول: یکی از ویژگی‌های اصلی و مهم محدثان قم، گرایش آنان به احادیث و پرهیز از دخالت دادن هر امر دیگر اعم از احکام مستقل عقلی و یا ظن‌های غیر معتبر در زمینه فهم دین و استنباط احکام است؛ دوم، جریان نص‌گرایی در قرون سوم و چهارم قمری که توسط محدثان قم و بعضی از محدثان دیگر مراکز حدیثی گسترش یافت، ادامه جریان سنت‌گرایی عصر حضور ائمه (ع)، بود (۴)، هرچند امامان شیعه (ع) خود به تحریک و ایجاد زمینه تفکر عقلی و استدلال در میان شیعیان علاقه وافری داشتند و در زمینه بحث‌های کلامی و عقیدتی، تشویق‌ها و تحسین‌های آنان از متکلمان شیعی عصر حضور درخور توجه است (۵)، اما بسیاری از شیعیانی که گرد ائمه (ع) جمع شده بودند، به کار استماع و نقل احادیث مشغول بودند و از مباحثات کلامی دوری می‌گزیدند و نظر خوشی نسبت به متکلمان شیعی نداشتند (۶) تا آنجا که برخی از آن‌ها مانند سعد بن عبدالله اشعری قمی کتابی تحت عنوان «یونس» در ظن و طعن متکلمان، یعنی کسانی که با کمک عقل و کلام سعی در تبیین مبانی دینی و مذهبی داشتند، تدوین کرد (۷)، اما امامان شیعه، پیروان خویش را به همین متکلمان و کتاب‌های آنان ارجاع دادند (۵)، حتی علیرغم دشمنی محدثان قم، اهل حدیث را به دوستی و حرمت‌نهادن متکلمان تشویق می‌کردند (۵)، این گرایش در دوره حضور ائمه (ع) در عصر غیبت صغری و پس از آن توسط فقیهان ادامه یافت، هرچند بعدها به دلیل کاربرد استدلال در علم حدیث، وضعیت دگرگونه شد، اما آنچه که در حوزه حدیثی قم وجود داشت، شکل تعدیل‌یافته‌تر این نوع گرایش بود. اشعریان قم با هرگونه استدلال عقلی مخالف نبودند. دلیل این مدعا وجود شواهدی از مناظرات و مباحث کلامی محدثان برجسته قم با مخالفان است و این نکته درخور اعتنایی است.

۱-۲. اشعریان و حفظ میراث مکتوب حدیثی شیعه: دوران غیبت صغری و گذار شیعیان به غیبت کبری، دارای ویژگی‌هایی بود که باعث شد محدثان قم، از جمله محدثان

خاندان اشعری نگران محو احادیث اهل بیت باشند، بدین‌رو همت خود را مصرف گردآوری و تدوین مجموعه‌های عظیم حدیثی متعلق به بزرگان تشیع و ائمه اطهار (ع) سازند. تأمل در فهرست کتب و آثار حدیثی اشعریان، به خوبی مؤید این نظر است.

سعد بن عبدالله اشعری یکی از پرتألیف‌ترین محدثان اشعری در اواسط و نیمه دوم قرن سوم قمری بود (۷)، محدثی که کلینی، همچون بسیاری از مشایخ قم و بغداد، از آثار او در تدوین «الکافی» بهره برد (۸). شیخ صدوق نیز روایاتش را به واسطه پدرش یا محمد بن الحسن بن احمد بن الولید از سعد نقل کرده است. همچنین کتاب «ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه» سعد اشعری در زمینه حدیث مورد توجه و مطالعه فقیهان ادوار بعدی بوده است. در واقع سعد از جمله محدثان خاندان اشعری است که با رغبت تمام به جمع کتب و نقل حدیث داشته است. به گفته نجاشی و شیخ طوسی، وی دارای کتاب‌های بسیاری نوشته و سفرهای زیادی نیز با هدف گردآوری کتب و احادیث انجام داده است. تعدادی از کتاب‌های سعد را مؤلفان کتب رجالی فهرست کرده (۹) و بدین طریق، اهمیت او را گوشزد نموده‌اند.

در اسنادی از روایات کتب اربعه نام احمد بن اسحاق اشعری به چشم می‌خورد و نجاشی و شیخ طوسی کتاب «علل الصلوه» و «علل الصوم» را در علم حدیث بدو نسبت داده‌اند که هر دو مجموعه بزرگی در زمینه حدیث بوده‌اند (۱۰). نیز به گفته شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری نیز «جلیل القدر و کثیر الروایات» بود (۷، ۱۱). در واقع تلاش محدثان اشعری در گردآوری اکثر احادیث و تمایل شدید آن‌ها برای جلوگیری از نابودی میراث حدیثی اهل بیت (ع) در نقلی که نجاشی در مورد احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، فقیه و محدث برجسته‌ام: حدود ۲۹۰ قمری آورده، نمودار است. در کتاب الرجال نجاشی از احمد بن محمد نقل شده که گفته است: «در طلب حدیث به کوفه رفتم، بدین‌منظور با حر بن علی الوشاء ملاقات کردم و از وی تقاضا نمودم که کتاب علاء بن زرین‌القلاء و ابان بن عثمان الاحمد را

به من ارائه کند. او نیز آن دو کتاب را به من داد. به او گفتم دوست دارم اجازه نقل احادیث آن‌ها را برای من صادر کنی، گفت: خدای تو را رحمت کند، چه عجله‌ای داری؟ آن‌ها را ببر و استنساخ کن، سپس بیا و سماع نما. گفتم: از حوادث خود را ایمن نمی‌بینم...» (۷)، البته برخی از محققان معاصر گفته‌اند که در این مورد، احمد بن محمد می‌خواسته نسخه خود را با نسخه علاء بن علی و شاء مقایسه کند، زیرا نسخ صحیح کتاب ابان و کتاب علاء را به دست آورده بود و از آن جهت به او مراجعه کرد که از او اجازه نقل آن‌ها را داشت (۱۲).

۲-۲. تأیید ائمه شیعه از حدیث‌نگاری اشعریان: کوشش و جهد اشعریان در علم الحدیث چنان بود که ائمه شیعه به بزرگان این خاندان ارجاع داده و بدین‌گونه آن‌ها را مورد تأیید قرار می‌دادند. به عنوان مثال، علی بن مسیب همدانی که از اصحاب امام رضا (ع) و فردی مورد تأیید راوی‌شناسان بود و مدتی همراه امام موسی بن جعفر (ع) در زندان بغداد حبس گردید، مرجع مراجعات عمومی و پاسخگویی به سؤالات مذهبی در همدان به شمار می‌رفت، اما این شخص خود، افتخار شاگردی زکریا بن آدم محدث اشعری را داشته است و نقل است که روزی به محضر امام رضا رفته، عرض کردم: راه من دور است و به علت دوری مسافت نمی‌توانم همیشه به حضور شما برسم و مسائل دینی خود را از شما دریافت کنم. بنابراین مسائل فقهی و مبانی اعتقادی و دینی خود را از چه کسی سؤال کنم؟ امام رضا (ع) در جواب فرمودند: «من زکریا بن آدم القمی، المأمون علی الدین و الدنیا، راهنمایی‌های دینی را از زکریا بن آدم بیاموز که در امور دین و دنیا امین و مورد اعتماد است» (۱۳).

شیخ مرتضی انصاری در مبحث حجیت خبر واحد، به برخی روایات درباره افراد ویژه اشاره می‌کند و با استناد به روایت فوق، آن را دلیلی بر مورد وثوق بودن زکریا بن آدم اشعری برمی‌شمرد (۱۳). از آنجا که یکی از نشانه‌های معتمد بودن راوی، عباراتی است که از سوی امامان شیعه (ع) درباره وثاقت محدث رسیده است، به ویژه که ناقل خبر، شخص دیگری غیر از راوی مورد نظر باشد. این امر نشان می‌دهد امام رضا (ع) به

زکریای اشعری اعتماد کامل داشته و از منظر ایشان، فتواها و نظریات دینی زکریا مورد تأیید و منطبق با احکام اسلام بوده است (۵). از دیگر عللی که نشانگر اعتبار و جایگاه رفیع محدثان خاندان اشعری است، توثیق و مدح اکثر محدثان اشعری از سوی علمای رجالی است. درباره محمد بن عیسی اشعری نقل شده که مورد تأیید اکثر علما بود و این سخن درباره فرزندش احمد نیز نقل شده است (۸). نیای او عیسی بن عبدالله اشعری و برادرش عمران نیز از چهره‌های مقبول نزد رجالیان شیعه هستند، همچنانکه این دو برادر مورد عنایت امام صادق (ع) بوده‌اند (۱۳). بر همین منوال، اشعریانی نظیر: زکریا بن آدم، احمد بن اسحاق، سعد بن سعد اشعری، سعد بن عبدالله اشعری، حمزه بن الیسع و فرزندش ابوطاهر و شماری از رجال خاندان اشعری، همگی از کسانی بودند که از سوی علمای رجالی مورد توثیق یا مدح واقع شده‌اند؛ کثرت محدثان موثق اشعری، نشانگر جایگاه ممتاز این محدثان و اعتبار روایاتشان است.

یکی از ویژگی‌های محدثان اشعری، گرایش آنان به بحث اصول دین به ویژه در حوزه امامت و توحید بود. این امر، نشانگر تلاش‌های مستمر در مبارزه فرهنگی و مذهبی علیه فرقه‌های غالی است که در آن زمان در حال رشد بودند و جامعه از نظر اعتقادی گرفتار شبهات عقیدتی و فرهنگی شده بود. نمونه‌هایی از تلاش اشعری‌ها عبارتند از: پرسش و پاسخ داوود بن عمران و زکریای بن آدم با امام رضا (ع) در زمینه ولایت از نظر فکری و عقیدتی، سؤال و جواب سعد بن عبدالله اشعری با مرد ناصبی و سفر سعد به سامراء برای گرفتن پاسخ از امام هادی (ع) و... که دلیل دیگری بر تلاش فرهنگی اشعریان برای حفظ جامعه اسلامی از افکار انحرافی می‌باشد (۹).

۲-۳. توسعه مکتب حدیثی قم: نباید فراموش کرد که یکی از علل رشد مکتب حدیث در قم مهاجرت سادات طالبی به آن شهر بود. در خصوص علت مهاجرت سادات طالبی نوشته‌اند: یکی از مهم‌ترین مناطق شیعه نشین که سادات طالبیه در آنجا منزل گزیدند، قم بود. چنانکه دانسته شد، نخستین

گروهی که از قوم عرب با گرایش شیعی به این منطقه آمدند، خاندان اشعری بود که از کوفه بدان جا هجرت کرده بودند. این خاندان با توجه به گرایش مذهبی خود، ساداتی را که به قم پناه می‌آوردند، مورد احترام و حمایت خود قرار می‌دادند و از آنان می‌خواستند تا به قم هجرت کنند. با مهاجرت برخی از سادات، اقوام و خویشان آنان نیز به این مناطق روی آوردند (۶). در برخی روایات در مورد جایگاه شهر قم نزد امامان (ع) آمده که که آگاهی ائمه اطهار از زعامت سیاسی و معنوی اشعریان در شهر قم و تأیید این حضور، می‌تواند عامل مهاجرت طالبیان به شهر قم باشد.

ورود اشعریان و سایر سادات به شهر قم و استقبال اهالی از آن‌ها، باعث شده تا روایاتی در مورد فضائل قم نیز بیان شود. امری که نشانگر انتقال مرکز حدیث شیعه از بغداد به ایران بوده است، از جمله در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «عن قریب باشد که کوفه روزگاری از مؤمنان خالی گردد و علم و دانش در آن ناپدید شود، چنانچه مار که در سوراخ رود و پنهان شود و از وی اثر نماند و علم و دانش به شهری که آن را (قم) گویند ظاهر شود و روشن گردد و معدن اهل علم و فضل شود که بر روی زمین هیچ مستضعفی و سست دینی باقی نماند تا غایت که زنان پرده‌نشین در پرده‌ها به علم امامت و ولایت عالم گردند...». همچنین علم و دانش از قم به دیگر شهرها و ولایات فایض و منتشر گردد تا به مشرق و مغرب برسد» (۱۳). با حضور سادات و تأیید ائمه، مردم قم تابعیت امام شیعه را پذیرفتند و در زمان غیبت، از طریق نواب امام با رهبری جهان تشیع ارتباط برقرار کردند. به این ترتیب هیچ گرایش واقعی یا تفرقه‌ای در دوران پس از رحلت امام شیعه، در شهر قم ظاهر نشد، سپس به دلیل ارتباط این شهر با نواب امام، معارف اهل بیت (ع) در قم رواج یافت و برجسته‌ترین راویان اخبار اهل بیت در قم زندگی کردند. وجود قبور برخی از محدثان دیگر بلاد در قم، از جمله نشانه‌های دیگر اهمیت و جایگاه مرکز حدیثی قم در نزد عالمان علم الحدیث است.

۲-۴. اثرات مرجعیت علمی حوزه حدیثی قم: تبحر محدثان قم در فن حدیث و فقه، موجب شد که آنان به عنوان

مرجع قابل اطمینانی در تدوین کتب حدیثی و کلامی مطرح شوند. روایتی از شیخ طوسی نقل شده که بر اساس آن می‌توان به اهمیت حوزه حدیثی قم و محدثان اشعری دوره غیبت واقف شد: حسین بن روح نوبختی در یک مورد، کتابی را که از نظر صحت و سقم احادیث مشکوک بود برای محدثان قم ارسال نمود تا نظرشان را درباره آن ابراز دارند (۱۱). نکته اصلی این روایت، آن است که در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم قمری، با وجود محدثان و روایان زبردست در بغداد و کوفه، سفیر ناحیه مقدسه شیعه، حوزه حدیثی قم و محدثان آن را بر دیگر محدثین ترجیح داد و بر قضاوت آنان در صحت و سقم احادیث اعتماد نمود. تبحر محدثان قم در فن حدیث تا بدان حد بود که محدثان دیگر مراکز حدیثی، از ایشان کسب حدیث و اجازات حدیثی می‌کردند. برای مثال محمد بن احمد بن داود قمی در سال ۳۶۰ قمری روایت کتاب مزار خود و دیگر مصنفاتش را به محمد بن عبدالله بن عبدالرحمن بن سمیع اشعری اجازه داد (۱۴). نمونه دیگر، اجازه‌ای از سوی محمد بن الله بن جعفر حمیری برای عمران بن عمران اشعری در نقل کتاب قرب الاسناد پدرش است (۱۴).

۳. نوبختیان و پرورش علم کلام: اگر اشعریان را میراث‌دار علم حدیث و بزرگ‌ترین حافظان منابع مکتوب شیعی بدانیم، باید نوبختیان را طلایه‌دار تفکر منطقی در تشیع فرض کنیم. مهم‌ترین دوران حیات اشعریان در عصر حیات امامان شیعه بود و دوران غیبت صغری، در حالی که دوران بالندگی نوبختیان از غیبت صغری آغاز شد و در دوران اولیه غیبت کبری امام زمان (عج) به بلوغ رسید. به بیانی دیگر، دوره مهم عصر غیبت، دوران حیات علمی روشنفکران نوبختی بود و مقارن با تحولات فرهنگی گسترده و ظهور فرق و نحل و گرایش‌های مختلف فکری و الهیاتی در جهان اسلام. در این دوره، گرایش‌های فکری شیعه دوازده امامی در معرض بازخوانی و تحکیم قرار گرفت. علمای نوبختی به مثابه رهبران و مدافعان اندیشه شیعی، ناگزیر به مواجهه با تفکرات دگراندیش و جعل حدیث توسط زنداقه و دیگر فرق بودند. ارزیابی نظرات نوبختیان باید بر اساس آثار به جا مانده از این خاندان باشد،

اما شماری از آثار آل نوبخت از بین رفته و تنها در برخی کتب ملل و نحل و یا تألیفات محدثان و متکلمین دوره‌های بعد می‌توان اثری از آثار آل نوبخت و مضامین آن‌ها یافت و برای تحلیل دیدگاه کلامی و حدیثی به آن‌ها مراجعه کرد (۱۵). گروه‌ها و رویه‌های فکری بسیاری بودند که مورد انتقاد یا رد نوبختیان قرار گرفته‌اند. شاید در تاریخ تشیع، به جز رویکرد علمی شیخ مفید و علامه حلی، نتوان مشابهی در میزان تقابل علمی متکلمان نوبختی با مخالفان تشیع و اسلام یافت. گروه‌های دگراندیش یا معارضی مانند: فیلسوفان، صوفیان، صابئین، زنداقه، غلات، پیروان دیگر ادیان یا طرفداران فرقی چون: مجبره، مشبهه، جبریه و... توسط متکلمان نوبختی مورد مجادله و نقد قرار گرفته‌اند. امری که باعث شد تا آموزه‌های تشیع پاینده و ایمن بماند.

۳-۱. تفکر فلسفی و نقش آفرینی آل نوبخت: گسترش تفکرات فلسفی در دوران مأمون عباسی و در پی حمایت از ترجمه‌های کتب فلسفه یونان در بیت‌الحکمه آغاز شده بود و تأثیر این ترجمه‌ها باعث اقتباس روش‌های فلسفی و منطقی در نظام‌های فکری فرق مختلف اسلام و تبعیت یا مخالفت با روش استنباطی یونانیان شده بود. در این بین، نظام فقهی شیعه در مکتب بغداد رویکرد تعقلی در دین را برگزید و ماحصل ورود تفکر استدلالی در تفسیر دین، برآمدن فقیهان و متکلمانی عمدتاً از درون خاندان نوبختی و شاگردان آن‌ها نظیر فقه‌های شیعه چون شیخ مفید بود، اگرچه در بین خواص خاندان نوبختی، گرایش به تفکر اعتزالی به وضوح دیده می‌شد، اما در طول زمان، آل نوبخت دو طیف فکری را از خود بروز دادند: برخی از ایشان متمایل به نظام فکری معتزله شدند و به مذهب تشیع نیز وفادار ماندند، اما طیف دیگر تمایل به تفکر فقه‌ای را بر پایه نظام اندیشگی فقاقت برگزیدند، اگرچه برخی آرای آنان نیز، تشابهاتی با تفکر اعتزالی داشت، ولی این تشابه در برخی ظواهر، نشانه عاریت‌گرفتن از تفکر اعتزالی در بنیان تفکر فقه‌ای نبود (۱۶). همین تعامل و تقابل در عرصه کلام و فقه در ادوار دیگر نیز تداوم یافت و به تقابل و درهم آمیختگی عقل و دین بسط یافت، گاه به ظرافت و گاه به

تخاصم، اما در هر دوره، این هموردی یا تعامل، حاصل جدیدی در میراث فکری تشیع آفرید. برخی از تقابلات و تعاملات چنین بودند: مسعودی در آغاز کتاب مروج الذهب می‌نویسد که خلقت جهان رای مردمی است که اهل دولت و قانون هستند (۱۷). او می‌نویسد: «بدان که فلاسفه جهان را کهنه می‌خوانند و خالق را انکار می‌کنند.» علامه حلی اعتقاد به ترقی حدوث ناشی از نظرات فلاسفه یونانی می‌داند کاتبی قزوینی در مبارزه با متکلمان دیدگاه وجود همه عوالم را رد کرد (۱۸). همچنین متکلمان و فقیهان نوبختی به انکار یا رد شماری از براهین فلسفی یونانیان مبادرت کرده و بر آن بودند باید بر مبنای ارکان اساسی اسلام به تفسیر اصول فکری همت گماشت (۹، ۱۹، ۲۱)، چنانکه در قرن هفتم قمری خواجه نصیر طوسی عالم شیعه در شرح اشارات بوعلی، اذعان داشت که گرچه با نظریه غیبت ابن سینا موافق بود، اما بر مبنای چشم‌انداز کلی، آن را انکار می‌کرد (۲۰).

دامنه این تفاوت‌ها محدود به فلسفه الهی نبود، بلکه شامل نهادهای اجتماعی، فلسفه‌های سیاسی و حکومت و رهبری نیز می‌شد (۲۲). همچنین این اختلاف نظرها تنها در اصول توحید و یا برشمردن صفات خداوند نبوده، بلکه به بحث در باب ماهیت و محدوده معرفت خداوند نیز کشیده می‌شد، مثلاً در حالی که بر مبنای نظر افلاطون، شناخت خدا با توانایی‌ها و شرایط جسمی و روحی خاص و در سن ۵۰ سالگی فقط برای فیلسوف ممکن است (۲۴)، اما بر مبنای آموزه‌های اسلامی، معرفت خدا و توحید خاص همه افراد است و چون علم به ذات خدا عام است و محدود به طبقه خاصی نیست، از این رو ابراهیم بن نوبختی معرفت خداوند را برای هر فردی ضروری می‌دانست (۲۵)، بدین ترتیب بود که متکلمان نوبختی فرق و آرای فلسفی را مورد انتقاد قرار دادند یا مبانی فلسفی را با دین منطبق ساختند.

یکی از تضادها و چالش‌های اساسی دیگر متکلمان نوبختی، در حوزه‌های فرودست فلسفه یا علوم طبیعی نهفته است (۲۶). بسیاری از مضامین این بخش با کیهان‌شناسی دینی، معاد و پایان جهان در تضاد است. انتساب امور و حوادث و شؤون عالم

به افلاک و حرکات و ارواح آسمانی و سپردن تدبیر امور به عقل فعال و مؤثر، یعنی شناخت کامل ستارگان منظومه وجود، از جمله موضوعات بحث‌برانگیزی بود که آل نوبخت بدان می‌پرداختند (۲۷). همچنین چالش با فلسفه محض، تا زمان حضور امام، از موضع نوبختیان مشخص است. عبدالجلیل رازی به نقش علمای مجرب نوبختی و کتب مفصل و مختصر آنان اشاره کرده و اذعان می‌دارد: آن‌ها فلسفه را رد کرده و آثاری بر علیه زندقه به جا گذاشتند. آثار علمی که گواه جایگاه این خاندان است، نظیر: توحید، حدادالعلم، فی اشکال القدم الاجسام و برخی از مهم‌ترین آثار ابوسهل نوبختی در شناخت خدا و خلقت جهان و... (۷) و نیز تألیفات ابن موسی در مسائل معرفتی، خلاصه نوشته‌های ارسطو، الکون و الفساد، الارزاق و العجل و الاسرار، توحید صغیر و توحید کبیر هستند. همچنین معروف‌ترین کتاب حسن بن موسی نوبختی، به نام الآراء و الدیانات که از کتب درسی شیعه به شمار می‌رود و علمای شیعه و سنی به آن استناد کرده‌اند، گرچه این کتاب قرن‌ها بعد گم شد. ابن جوزی دیدگاه نوبختی را از آرای فیلسوفان یونانی در کتاب الآراء و الدیانات نقل کرده است. در این اثر، دیدگاه سقراط و دیگر فلاسفه یونانی بیان شده نیز آرای فلاسفه‌ای که ادله عقلی و طبیعت را خالق اشیا می‌دانستند (۲۹). یکی از موضوعات کلامی دیگر در این اثر، مسأله ادراک و دیدن است که موسی به خوبی بدان پرداخته است (۳۰). حسن بن موسی نوبختی هم سال‌ها پیش از خواجه نصیر طوسی، به بحث رویت خدا پرداخته است (۱۰). بنابراین در طی این دوران به سبب توجه به مطالب کلامی و تقابل آرا و همچنین تألیفات متعدد، آرای متضاد به خوبی توانست شیوه جدیدی از مجادله کلامی را در عالم اسلامی رونق ببخشد.

۳-۲. تأثیر نگرش کلامی نوبختیان در رشد فلسفه:

بسیاری از متفکران مسلمان و غربی، سعی در نقد، توسعه و یا ترویج علم منطق یونانی داشته‌اند، مانند فارابی که برای توسعه و تکامل علم منطق کوشید (۳)، در حالی که برخی از بزرگان معتزله بودند که با فن استدلال ارسطویی مخالف بودند (۳)، اما متکلمانی از خاندان نوبختی، با ورود به عرصه کلام و

یا با واسطه شده بود، در نتیجه آل نوبخت با قراردادن مهر تأیید بر احادیث شیعه که پیش‌تر اشعریان آن‌ها را گردآوری و رواج داده بودند، از دانش منطق و فلسفه به صورت علم کلام برای تثبیت آموزه‌ها و روایات شیعه بهره جستند. بنابراین می‌توان گفت که اشعریان نماینده توسعه و رونق‌بخشیدن به علم حدیث و نوبختیان نیز به واسطه قرارگرفتن در مرکز مجادلات فکری و فلسفی، عامل مهمی در توسعه علم کلام در جهان اسلام و مخصوصاً اندیشه شیعی داشتند که تا سالیان طولانی تداوم داشته است و همچنان نیز مبنای بسیاری از اندیشه‌ها در این‌باره است.

نتیجه‌گیری

بر مبنای نتایج پژوهش حاضر، تعامل هر یک از جریان‌های اشعری و نوبختیان با شرایط موجود در زمانه آنان، نقش مهمی در گرایش هر یک به سوی علم حدیث و کلام داشته است. به این صورت که در دوره اشعریان جمع‌آوری مکتوب احادیث و پرداختن به علم حدیث رویه کارکرد آن‌ها را نشان می‌دهد و باعث رشد علم حدیث در نزد اهل تشیع شده است. همچنین با توجه به شرایط و وضعیت زمانی، در دوره آل نوبخت ضرورت پاسخگویی به شبهات فکری فرق متعدد مذهبی و کلامی، معیار عملکرد ایشان بوده است که خود منجر به رشد و توسعه علم کلام شده است. با توجه به حفظ و نگهداری عقیده تشیع در نزد نوبختیان و دورماندن از دستگاه خلافت عباسی، تمایل آنان به مذهب شیعه از بین نرفت و در دوره‌های بعدی نیز به شکوفایی علم کلام منجر شده بود. بنابراین دو جریان فکری به صورت جداگانه توانستند باعث شکوفایی حدیث و کلام شیعه شوند که تا دوره کنونی نیز بر شکل‌گیری جریان‌های فکری و فلسفی آثار خود را نشان داده است، بدین ترتیب باید گفت که اشعریان و خاندان نوبختی نقشی به سزا در تکوین نهضت فکری تشیع داشتند، هر یک از این دو به ضرورت شرایط حاکمه نقشی متفاوت، اما مؤثر در تکوین معارف تشیع داشته‌اند. اشعریان اهل قم، در سده‌های اول و دوم قمری، علم حدیث را در عرصه آموزه‌های تشیع گسترش

اقتباس آگاهانه از دانش منطق، بر روند ترویج فکر فلسفی اثر گذاشتند، از جمله ابومحمد حسن بن موسی نوبختی که او را می‌توان از پیشگامان برجسته نوآوری در منطق دانست و سرآمد منتقدانی که از نظر اولویت زمانی در زمینه علم منطق یا همان کلام اسلامی کار کرده‌اند (۳). این پیشگامی که منحصرأ در میان متفکران مسلمان رخ داد، قرن‌ها پیش از شروع رنسانس در غرب بود. زمانی که کتاب حسن بن موسی نوبختی توسط ابن تیمیه حنبلی (۷۲۸ ق.)، از فقهای حنبلی مورد نقد قرار گرفت، بر بحث عقل و دین نیز توجه نشان داد و به صحت آن پی برده بود، اگرچه معتبرترین نوع استدلال در منطق ارسطویی، قیاس بود، اما نوبختی با شیوه قیاسی ارسطو مخالف بود و باور داشت، اندکی از قیاس در مقدمه کافی است، مع‌هذا دیدگاه نوبختی را نباید با قیاس‌های ضمنی در منطق صوری ارسطویی یکی دانست (۳)، اما در هر صورت، نقش نوبختیان در عرصه کلام شیعی بسیار برجسته است، ضمن اینکه به دلیل قرارگرفتن در عرصه مجادلات فکری، توانست اندیشه شیعی را در زمینه بهره‌مندی از کلام مؤثر و قوی بهره‌مند سازد.

بحث

بررسی مقایسه‌ای پویش دو خاندان کنشگر و فعال در حوزه صیانت از میراث علم حدیث و کلام شیعه نشان می‌دهد که باید شرایط زمانی پویش هر کدام از این دو خاندان را در نظر گرفت. شایان ذکر است در هنگام طلایه‌داری اشعریان در عرصه علم حدیث، احادیث شیعه بدان پایه مکتوب نشده بودند که از میان‌شان سره از ناسره تمییز داده شود. حال آنکه با تداوم کاربرد علم حدیث در قم تحت اشراف اشعریان، به تدریج علم رجال و نسب‌شناسی قوت گرفته و محدثین شیعی در جهان اسلام شناخته شدند. اشعریان حافظان اصلی میراث مکتوب احادیث ائمه اطهار بودند، اما نوبختیان در زمانه‌ای متفاوت با عصر اشعریان، دیگر امکان تماس مستقیم و یا غیر مستقیم با امام شیعه را نداشتند و ورود به دوره آغازین غیبت کبری، باعث محرومیت جامعه از هدایت امام به طور مستقیم

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

داده و محدثین بزرگی را تحویل جامعه شیعه دادند، اما خاندان نوبختی که همانند اشعریان از خاندان‌های متنفع و تأثیرگذار شیعی در عصر عباسی بودند، توانستند با بهره‌وری از میراث متکلمان پیشین، به پیریزی اساسی دانش کلام شیعه و با نگاهی استدلالی موفق شوند و در ادامه، نگرش‌های کلامی فرق دگراندیش را نقد نمایند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گرچه هر دو خانواده شیعی با بهره‌برداری از جایگاه سیاسی و اجتماعی خود، به پویای برای ترویج و تحکیم آموزه‌های تشیع کوشش داشته و در حوزه علم کلام و حدیث شیعه دستاوردهای ارزنده‌ای داشتند، اما محدودیت اشعریان در جغرافیای قم و حضور امامان شیعه در عراق، آن‌ها را از وضعیتی دگرگونه با شرائط نوبختیان برخوردار ساخته بود، در حالی که آل نوبخت با حمایت ضمنی خلافت و در فضای ملتهب اجتماعی عراق و در عصر نوزایی فرهنگی اسلام، موفق به تثبیت دانش کلام و حدیث شیعه شدند و بر فرایند تحول علوم شیعی اثر گذاشتند.

مشارکت نویسندگان

حمید سیدی: طراحی ایده، جمع‌آوری داده‌ها، نگارش اولیه متن.

احمد اشرفی: طراحی ایده، جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل یافته‌ها.

محمدنبی سلیم: تجزیه و تحلیل یافته‌ها، مرور و اصلاح متن. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

References

1. Khezri AR. History of the Abbasid Caliphate. Tehran: Samt Publications; 2005. p.189. [Persian]
2. Forouzanfar BA. Farabi and Sufism. Tehran: Hekmat Publications; 2013. p.205. [Persian]
3. Al-Fakhouri H. The history of philosophy in the Islamic world. Translated by Ayati AM. Tehran: Elmi and Farhangi Publications; 1994. p.117. [Persian]
4. Hosseini Tabatabai M. Islamic thinkers against Greek logic, [unplaced]. Tehran: Qalam Publications; 1980. [Persian]
5. Kashi ABA. Ikhtiar-u Marifat ir-Rijal al-Known as Rijal il-Kashshi. Qom: Al-Bayt Institute; 2013. [Arabic]
6. Khezri SAR, Mohammadi R, Heydari Aghaei M, Khanjani GH. Governments, dynasties and Shia cultural scientific works. Tehran: Samt Publications; 2014. Vol.2. [Persian]
7. Najashi AAA. Rijal al-Najashi Ahad al-Asul al-Rajliyyah. Qom: Davari Publications; No Date. [Persian]
8. Khoei A. Minhaj al-Asul. Beirut: Dar al-Balagheh 1991. Vol.2 p.183, 223, 295-296. [Arabic]
9. Sheikh Sadouq M. Kamal al-Din and Tamma Al-Naimah. Corrected by Ghafari AA. Tehran: School of Sadouq; 2013. [Arabic]
10. Najashi AA. Rizal al-Najashi. Research by Shabiri Zanjani M. 5th ed. Qom: Islamic Publishing House; 1996. [Arabic]
11. Tusi M. Al-Fahrst. Corrected by al-Bahr al-Uloom MS. Najaf: Al-Murtazawieh Library; 1977. [Arabic]
12. Bukhari Behbodhi MB. Knowledge of Hadith. 2nd ed. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 1990. [Arabic]
13. Ash'ari Qomi A. Al-Nawader. Sponsored by Al-Isfahani B. Qom: Imam Mahdi Institute (AS); 1987. [Arabic]
14. Iqbal Ashtiani A. Khandan Nobakhti. Tehran: National Assembly Publishing House; 1978. [Persian]
15. Massignon L. "Nawbakht", Encyclopedia of Islam. Leiden: Brill; 1993. Vol.7 p.1043-1044.
16. Tabari AJM. Tarikh al-Rasul wa al-Muluk (History of Tabari). Beirut: Ezzaldin Foundation; 1987. [Persian]
17. Masoudi AHB. Moruj al-Dahaab and al-Jawhar mines. Research by Mohiuddin Abdul Hamid M. 2nd ed. Egypt: Al-Tajariyeh School; 1984. [Arabic]
18. Katbi Qazvini ND. Hakme-ul-Ain. Edited by Sadri A. 1st ed. Tehran: Association of Cultural Artifacts and Honors; 2002. [Arabic]
19. Majlesi MB. Bihar al-Anwar. Tehran: Al-Islamiya Publications; 2002. [Arabic]
20. Khwaja Nasir Toosi MMH. Al-Jawhar al-Nazid in the description of abstract logic. Translated by Saneyi Darra Bedi M. 1st ed. Tehran: Hekmat Publications; 1988. [Arabic]
21. Karachki AFM. Al-Ibaneh an al-Mamathlah fi al-Istaldal between Tariqi al-Nabwah and al-Imamah. Translated by Salim Gandami H. Qom: Baqer Uloom Research Institute; 2015. Qom: Baqer Uloom Research Institute; 2016. [Persian]
22. Kapelsten F. History of Philosophy. Translated by Mojtaboi SJ. Tehran: Center for Scientific and Cultural Publications; 1975. [Persian]
23. Madelong W. Imami Shi'ism and Mu'tazili theological science. Translated by Aram A, Shi'a in the hadith of others, under the supervision of Mohaghegh M. Tehran: Shi'i Encyclopaedia Office and Tahir Islamic Foundation; 1975. [Persian]
24. Heli HY. Ajuba al-Masal al-Mahnaiyyah. Qom: Khayyam Press; 2021. [Arabic]
25. Motahari M. Brief description of the poem. 2nd ed. Tehran: Hekmat Publications; 1986. [Persian]
26. Ansari M. The Benefits of al-Asul (al-Rasail). Qom: Publisher Islamic Publication Institute; 1986. [Arabic]
27. Bukhari M. Kitab al-Tarikh al-Kabir. Beirut: Dar al-Ahiyya al-Tarath al-Arabi; 1988. [Arabic]
28. Ibn Jozi AF. Talbis Iblis. Translated by Zakowati Karagzlou AR. 2nd ed. Tehran: University Publishing Center; 2002. [Arabic]
29. Sharif MM. History of Philosophy in Islam. Translated under the supervision of Pour Javadi N. 1st ed. Tehran: University Publishing Center; 1986. [Persian]
30. Hodgson MGS. "Ibn Rūh", Encyclopedia of Islam. Leiden: Brill, London: Luzac & Co.; 1979. Vol.3 p.907.